

وقایع فارس

وحوادث تنگستان

از سنه ۱۳۳۳ الی آخر ۱۳۳۵

-۴-

بناگاه هنگامیکه غلامعلی خان از نزدیکی دروازه باغشاه سواره چهارنعل حرکت میکرد دستی از خرابه بیرون آمد اورا هدف گلوله نمود غلامعلی خان بهرحمت بود خودرا تا درب قنصلخانه رسانیده از اسب درغلطید وپس ازدوروزفوت کرد تا سهروز هر جا خواستند اورادفن کنند مردم مانع میشدند تا مجبوراً درقنصلخانه اورا دفن کردند چند روزی نگذشت که میرزا عبدالصمد هم گرفتار گلوله غیبی شد ولی چون اجلش نرسیده بود نمرود .

قونسول انگلیس دیگر جرئت نمیکرد علناً اقدامات بکند ولی باز هم از اقدامات خود کوتاهی نمیکرد تا آنکه وجوه ملت پی بردند که قوامالملك برای چهارهزار نفر اردو نیکه از خود جمع کرده بود مبلغ یکصد وسی و پنج هزار تومان از قونسول انگلیس پول گرفته و وعده داده است که درموقع این عده را بکاربرد .

هرچند از عده ایام میگذشت اطمینان مردم از قوامالملك کم می شد چهاردهم عقرب کمیته از وجوه وطن پرستان مخفیانه باسم کمیته حافظ استقلال تأسیس و جدأ مشغول کار شدند تا آنکه روزی حکمی از کمیته صادر شد که ژاندارمری مأمور است قونسول انگلیس را از شیراز تبعید کند و اگر او از رفتن استنکاف کرد حق دارند بایشان جنگ کنند .

روزدوم محرم ۱۳۳۴ سه ساعت بهظهر مانده دیده شد که نوپخانه ژاندارمری مقابل قونسولخانه حاضر شدند برحسب امر کمیته اولتی - ماتومی به او اکثرتوره دادند که درمدت نیم ساعت باید تسلیم شود قونسول

تسلیم شد و پس از سه ساعت بطرف برازجان تبعید شد و قتیکه به کازرون رسید عموم اهالی عید گرفتند تمام بیکدیگر تبریک میگفتند عموماً بیرون شهر شناخته آنها را از حرکات زشت خودشان ملامت مینمودند .

تلگرافاً به سلطان اخگر حکم رسید که بادا و طلبان خود آمده آنها را تحویل بگیرد ایشانهم با سوارهای خود تا کمارج آمده تحویل گرفته محترماً به برازجان و از آن جا میرسانند .

از آن جا مردها را تحویل امیرالاسلام میدهند که بر حسب دستور توقیف محترم باشند تا آخر جنگ و زنها را تا نزدیک فرونت بوشهر برده بوسیله چند سوار می فرستند تسلیم صاحب منصب قشون انگلیس نموده رسید میگیرند .

تا مدتی سیم های تلگراف شیراز به طهران قطع بود پس از آن مجدداً تعمیر شد و روز ششم قوس مرحوم یاور علیقلی خان از آباده بشیراز میروید بمعاونت کاپیتان فرماندهی ژاندارمری را میگیرد یاور فتحعلی خان به آباده رفت .

جنگ با قوام الملک

چنانچه ذکر شد وجوه ملت از قوام الملک سوء ظن حاصل کرده بودند پس از گرفتاری قونسول انگلیس از اسناد قونسول خانه پول گرفتن قوام الملک محقق شد در موقع تبعید قونسول احتیاطاً ژاندارمری سنگر های مرتفع بشهر را گرفته بودند و بواسطه بیوت متناسب قوام الملک با - وجود اینکه مشارالیه تقریباً چهار هزار نفر سوار و پیاده داشت از عقل دور بود سنگرها را تخلیه کند لهذا سنگرها بدست ژاندارمری باقیماند و در مقابل قوام الملک هم بمضمون الخائن حائف محله خود را سنگر بسته بود .

این سنگربندی محققاً روز بروز بر خصومت طرفین می افزود در همین ایام کمیته دفاع ملی بقم وارد شده احکام تلگرافی برای فرستادن سوار از فارس داده بودند مردم نیز در صدد تهیه سوار و پیاده بودند هر چه قوام الملک اصرار میکند در این موضوع کمکی بکنید به طفره و تعلل

می گذرانند .

کمیته ایالتی هرچند سعی در همراه کردن قوام و رفع فساد مینمود نتیجه نبخشید بلکه بر خودسری خود افزود تا آنکه کمیته حافظین استقلال اولتیماتومی بوی داده و در مدت ۲۴ ساعت اعزام عده بقم را خواستند ایشانهم جداً امتناع نمودند .

روز دوازدهم صفر دهم قوس سه ساعت بظهر مانده جنگ شروع شد فوراً بوسیله تلگراف بیرازجان اطلاع دادند روز دوم ظهر سلطان اخگر خود را بکازرون میرساند ورود خود را اطلاع میدهد تا روز هشتم جنگ موفق نمیشود که از فرونت چغادک و پست های دیگر و کازرون ششصد نفر ژاندارم و تفنگچی سواره و پیاده و سه عراده توپ هفت بشیراز میرساند . کازرون را که در وسط شیراز و بیرازجان واقع شده مرکز خود قرار می دهد در این مدت با وجود قلت عده فرونت چغادک لاینقطع سرگرم حملات شبانه بودند همروزه خبر فتوحات آنها میرسید .

چون سلطان اخگر شخصاً در شیراز نبودند وقایع جنگ را مطابق تحقیقات صحیحه سلطان داودخان رئیس توپخانه شیراز بدست آوردند این جنگ دهم قوس سه ساعت بظهر مانده شروع و بیست و یکم قوس يك ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد . قوام الملک روز اول چهار هزار نفر و روز آخر چهار هزار و نهصد نفر بودند که از قبوض رسید جیره آنها معلوم شد قوای ژاندارمری موافق راپورت یومیه از این قرار بود .

روز اول	ژاندارم	تفنگچی و مجاهد محلی	جمع کل
۱	۴۰۰	۲۰۰	۶۰۰
۲	۶۳۰	۳۰۰	۹۳۰
۳	۷۰۰	۳۰۰	۱۰۰۰
۴	۷۰۰	۴۰۰	۱۱۰۰
۵	۹۰۰	۷۰۰	۱۶۰۰
۶	۹۰۰	۷۰۰	۱۶۰۰

شماره ۱۲۹۱۱ - دوره سیزدهم	وقایع فارس . . .	۱۰۹۷
۱۶۸۰	۷۰۰	۹۸۰
۱۶۸۰	۷۰۰	۹۸۰
۱۸۷۵	۷۷۵	۱۱۰۰
۲۰۷۵	۷۷۵	۱۳۰۰
۲۱۰۰	۸۰۰	۱۳۰۰

از روی این حساب معلوم میشود که چقدر احساسات مردم از قوام-
 الملك متنفر بوده که هر چه این جنگ طول میکشید بر عده دشمنانش می-
 افزود یعنی عده ژاندارمری و تفنگچی مجاهد نسبت بروز اول پنج برابر
 و یک ربع شد با وجود املاک زیاد و اقتدار و نفوذیکه قوام الملك داشت
 میتوانست تقریباً بیش از یک پنجم بر عده خود بیفزاید .

توپخانه ژاندارمری

توپخانه ژاندارمری که در جنگ استعمال شد از اینقرار بود بغیر از
 توپهای غیر مستعمله

هفت سانتیمتری اطریش ۱۲ عراده هفت سانتیمتری اطریش
 ۱ عراده شنیدر کوهی ۲ عراده شنیدر صحرائی یک عراده
 ۴ عراده جمع ۲۰ عراده .

در این جنگ اتباع قوام که یکی همان اکبر خردل مجاهد دروغی
 بود هر کسی از عابرین بی اسلحه را می دیدند هدف گلوله مینمودند بعضی
 خانهها را بدون جهت آتش میزدند بعبارت آخری در جاهائیکه دسترسی
 داشتند هر چه میتوانستند میکردند .

عده مقتولین و مجروحین ژاندارمری در این جنگ

روزاواول	مجروح	مقتول	اسیر	جمع
۱	۶	یک نفر سوار		۷
۲	۴	یک نفر پیاده	یک نفر پیاده	۶
۳	۴	دو نفر توپچی یک سوار یک پیاده		۷
۴	۸	سه وکیل سوار یک وکیل پیاده یک ژاندارم		۱۳

- ۵ سلطان مسعود خان ۲ ژاندارم دوسوار و یک سرجوخه سوار
 ۶ حسن خان نایب دوم یک نفر توپچی یک پیاده سه سوار
 ۷ سه وکیل دو تفنگچی یک سوار پیاده
 ۸ یک نفر انفرمیه شش ژاندارم دو تفنگچی یک نفر فرانسوی سه پیاده
 و یک نفر وکیل اول
 ۹ یک نفر وکیل یک نفر تفنگچی یک نفر توپچی یک نفر وکیل یک نفر سرجوخه
 ۱۰ دو توپچی دو وکیل یک نفر تفنگچی یک نفر نایب اول اسدالله خان دو توپچی
 ۱۱ دو وکیل توپخانه یک نفر تفنگچی یک نفر پیاده یک نفر سوار یک نفر
 وکیل پیاده (یک نفر پیاده اسیر)
 ۱۲ دو مجاهد یک نفر جریک چهار ژاندارم

در مدت دوازده روز جنگ کلیتاً هفتاد و پنج نفر زخمی که همگی خوب شدند سی و پنج نفر مقتول یک نفر اسیر که بعد از فتح آزاد شد.
 عده مقتولین و مجروحین و اسرای اتباع قوام الملک
 در جنگ دوازده روزه

روز اول	زخمی	مقتول	اسیر	جمع
۱	۲۰ نفر بملاوه اکبر خردل ۱۹ نفر			۳۹
۲	۹۲	۱۶		۳۵
۳	۱۱۳	۹		۲۲
۴	۹	۶	بملاوه سرکرده	۱۶
۵	۱۷	۱۳	۱	۳۰
۶	۴	۷		۱۱
۷	۱۷	۲۳		۴۰
۸	۹	۳	یک سرکرده ۲	۱۵
۱۰	۹	۲۱		۳۰
۱۱	۱۰	۹		۱۹
۱۲	۱۷	۱۹		۳۷

در دوازده روز جنگ صد و هشت و چهار نفر زخمی و صد و چهل و سه

نفر مقتول و چهار نفر اسیر که اسرار آزاد و زخمی‌ها را بر میضخانه ژاندارمری برای معالجه فرستادند .

پس از مقایسه بخوبی معلوم میشود که مقتولین آنها بیش از چهار برابری مقتولین ژاندارمری بوده از این حساب واضح میشود که ایرانیها در مدت کمی که در تحت دبسیپلین ژاندارمری بودند چگونه لیاقت ذاتی خود را بروز داده‌اند .

چگونگی این جنگ

برای اینکه بهتر وضعیت جنگ از نظر مطالعه کنندگان واضح گردد تفصیلات را روز بروز شرح میدهم .

روز اول در زیر آتش توپخانه که از این طرف به فرونت دشمن شلیک میشد ژاندارم‌های پیاده و سواره چند سنگر دشمن را متصرف شدند .

روز دوم ژاندارم‌های توپخانه و سوار نقب‌زنان پیش رفته شانزده سنگراز سنگرهای طرف دروازه سعدی را تصرف نمودند .

روز سوم هفت سنگراز طرف دروازه سعدی و اطراف مسجد نصیر-الملك را گرفتند .

شب چهارم سی سنگر دیگر را از همان جناح بتوسط دینامیت محترق و تصرف نمودند .

روز پنجم پیاده و سوار با یورش هفت سنگر در نزدیکی خانه قوام-الملك را مفتوح ساختند .

قوام‌الملك مجبور شد که نصرالدوله را با خانواده خودش به خارج بفرستد .

روز ششم مسعود خان سلطان با هفتاد و پنج پیاده و سوار حمله به اطراف منزل قوام‌الملك کرده هفت سنگر را گرفت .

روز هفتم از طرف دروازه سعدی شانزده سنگر گرفتند .

روز هشتم از همان طرف نه سنگر گرفتند .

روز نهم بوسیله آتش توپخانه منزل میرزا حاج آقا که سنگر معتبری بود با شانزده سنگر دیگر متصرف شدند .

روز دهم و یازدهم از هر طرف یورش کرده سی سنگر گرفتند و قریب هزار و دو بیست نفر از اتباع قوام مجبور به فرار خارج شهر شدند .

تا آنروز در شیراز چنین جنگ بزرگی دیده نشده بود .